

وضعیت جامعه‌شناسی هنر در ایران

(بررسی هشت کتاب تألیفی فارسی)

نوح منوری¹

سومین همایش جامعه‌شناسی هنر ایران

خانه هنرمندان

فرودین 1394

چکیده

اگرچه پی‌بردن به وضعیت جامعه‌شناسی هنر در ایران تنها از خلال کتاب‌ها ممکن نیست و باید کل تولیدات جامعه‌شناسی هنر اعم از مقاله و سخنرانی را در نظر گرفت، اما کتاب‌ها به‌طور کلی نقش مهمی در شکل‌گیری یک حوزه علمی دارند. حدود یک‌سوم از کتاب‌های جامعه‌شناسی هنر در ایران را کتاب‌های تألیفی فارسی تشکیل می‌دهند. در این مقاله هشت کتاب تألیفی فارسی مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است. بررسی این هشت کتاب به ما نشان می‌دهد که بیشتر تألیفات فارسی جامعه‌شناسی هنر از لحاظ زمانی در یک دهه اخیر و از لحاظ جغرافیایی در شهر تهران بوده، رویکردهای نظری مختلفی از جمله نظریه‌های مارکسیستی و سیستمی در مطالعه هنر به کار گرفته شده، بیشتر از همه شعر و ادبیات فارسی به‌صورت تجربی در این کتاب‌ها مورد اشاره قرار گرفته، فقط دو یا سه مورد از این کتاب‌ها به‌عنوان کتاب‌های مرجع در جامعه‌شناسی هنر شناسایی شده و اینکه گاهی عنوان جامعه‌شناسی که بر روی این کتاب‌ها درج شده بی‌مسم و بی‌دلیل است.

کلمات کلیدی: هنر، جامعه‌شناسی، کتاب، شعر، ادبیات

مقدمه:

¹ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تهران. (زیر پل گیشا. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران. monavvary@ut.ac.ir)

جامعه‌شناسی هنر در ایران قدمتی بیشتر از پنجاه سال دارد¹ و در این نیم‌قرن، کتاب‌ها و مقالات زیادی در این حوزه ترجمه و تألیف شده‌است. در دانشگاه‌های ایران نیز، جامعه‌شناسی هنر به‌عنوان یک سرفصل درسی در مقاطع مختلف تحصیلی رشته جامعه‌شناسی تعریف شده‌است² و پایان‌نامه‌های متعددی را می‌توان یافت که ذیل این موضوع قرار می‌گیرند. علاوه بر کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌ها باید همایش‌ها، هم‌اندیشی‌ها و سخنرانی‌ها را نیز در شکل‌دهی به حوزه جامعه‌شناسی هنر در ایران تأثیرگذار دانست.

بررسی وضعیت جامعه‌شناسی هنر در ایران، منوط به بررسی همه تألیف‌ها و ترجمه‌ها و تحقیقات و همچنین همایش‌ها و سخنرانی‌هایی است که در این حوزه تعریف می‌شوند؛ اما در این مقاله وضعیت جامعه‌شناسی هنر در ایران، تنها از خلال مطالعه کتاب‌های تألیفی فارسی انجام خواهد شد. اهمیت کتاب نسبت به مقاله و سخنرانی این است که در کتاب، زمینه‌های نظری و تجربی موضوع بیشتر مطرح می‌شود و گسترش پیدامی‌کند. کتاب‌ها نقش مهمی در شکل‌گیری یک حوزه علمی ایفا می‌کنند. هر محقق، آغاز مطالعه و پژوهش خود را حتماً به مطالعه کتاب‌های پیشین حوزه موردنظر خود اختصاص می‌دهد تا کار خود را در گفتگو، نقد، رد، یا تکمیل آن‌ها انجام دهد؛ بنابراین بررسی کتاب‌های تألیفی فارسی در این حوزه، اگرچه تصویر تام و تمامی از جامعه‌شناسی هنر در ایران نمی‌تواند بدهد، اما می‌تواند به شناخت اصلی‌ترین رویکردهایی که در این حوزه به کار گرفته شده و همچنین درک کمبودها و کاستی‌های آن کمک کند.

طرح سؤالات تحقیق

سؤالاتی که در این تحقیق به کار گرفته می‌شوند در سه دسته تقسیم می‌شوند:

- سؤالات مرتبط با کتاب:
سال انتشار، ناشر، وضعیت تجدید چاپ، مرجع بودن کتاب در حوزه جامعه‌شناسی هنر.
- سؤالات مرتبط با نویسنده:
سن، جنسیت، سابقه تحصیلاتی و شغلی، جایگاه هنر در زمینه^۳ کلی کارهای نویسنده.
- سؤالات مرتبط با موضوع و رویکرد نظری کتاب:

¹ در دهه‌های سی و چهل، نشریات مختلف مقالاتی در زمینه^۴ جامعه‌شناسی هنر (اگرچه نه با این عنوان) منتشر کرده‌اند. از جمله:

هانس. هنر در عصر علوم. نشریه تعلیم و تربیت. فروردین 1337. شماره 7.

فیشر، ارنست. ضرورت هنر در روند تکامل اجتماعی. نشریه نگین. بهمن 1345. شماره 21.

گرامشی، آنتونیو. آنچه در هنر جالب است. نشریه آرش. اسفند 1347. شماره 19.

آریانپور، امیرحسین. درباره اصول تکامل تاریخی هنر و ادب. نشریه تعلیم و تربیت. آذر 1348. شماره 113.

هاوزر، آرنولد. تاریخ اجتماعی هنر. نشریه آرش. خرداد 1347. شماره 17.

² برای اولین بار در سال 1348 دکتر غلامحسین صدیقی (1284-1370)، درس «اجتماعیات در ادبیات» را در برنامه‌درسی علوم اجتماعی گنجاند. همان‌طور که از عنوان این درس برمی‌آید، هدف بیشتر استفاده از منابع ادبی برای شناخت فرهنگ و جامعه بوده است و بنابراین متمایز با جامعه‌شناسی هنر یا ادبیات به معنای امروزی آن است. درس «جامعه‌شناسی ادبیات» برای اولین بار در سال 1356 توسط جمشید مصباح‌پور ایرانیان در دانشگاه تدریس شد. در حال حاضر در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد علوم اجتماعی دو سرفصل جدا به «جامعه‌شناسی هنر» و «جامعه‌شناسی ادبیات» اختصاص پیدا کرده است. در رشته ارتباطات نیز سرفصل «جامعه‌شناسی هنر و ادبیات» قرار داده شده‌است.

موضوع کتاب، رویکرد نظری کتاب، استفاده از نظریه‌های جامعه‌شناسی، اشاره به «هنرهای ما».

نمونه‌ی تحقیق

از سال 1354 که نخستین کتاب تألیفی فارسی جامعه‌شناسی هنر در ایران منتشر شد تا به امروز (1393)، کتاب‌های زیادی در این حوزه توسط نویسندگان داخلی تألیف نشده‌است. بخش اعظم کتاب‌های جامعه‌شناسی هنر در ایران را ترجمه‌ها تشکیل می‌دهند. از مجموع 27 کتاب موجود جامعه‌شناسی هنر در ایران، 10 جلد تألیف (37%) و 17 جلد (63%) ترجمه است. اگر بخواهیم تجدید چاپ کتاب‌ها را در نظر بگیریم، از مجموع 59 بار چاپ کتاب‌های جامعه‌شناسی هنر، 22 چاپ تألیف و 37 چاپ ترجمه است که باز به همان درصدها می‌رسیم (ن.ک. ضمیمه 1).

البته باید گفت که به‌طور کلی در تمام دنیا، تألیفات جامعه‌شناسی هنر چندان زیاد نیست. استراسولدو، جامعه‌شناس ایتالیایی، در سال 1998 نوشت که تنها نیم درصد از نگارش‌های جامعه‌شناختی را می‌توان ذیل مقوله جامعه‌شناسی هنر قرارداد¹. به‌نظر می‌رسد که هنر، بیشتر موضوع فلسفه، تاریخ و زیبایی‌شناسی بوده تا جامعه‌شناسی. در حالی که عمر جامعه‌شناسی به دو قرن نمی‌رسد، در فلسفه و زیبایی‌شناسی از زمان ارسطو به هنر پرداخته شده‌است. همچنین وسعت کاربرد مفهوم فرهنگ در جامعه‌شناسی، باعث شده که هنر بیشتر ذیل این مفهوم قرار بگیرد. در این صورت، هنر، شاخص یا نمایی از فرهنگ هر جامعه شناخته شده است و خود به‌طور مستقل مورد مطالعه قرار نگرفته است. کتاب تمایز² بوردیو³، با آنکه یکی از کتاب‌های اصلی جامعه‌شناسی هنر به حساب می‌آید، اما اساساً پیرامون مفهوم فرهنگ شکل گرفته است.

در این مقاله، بررسی وضعیت جامعه‌شناسی هنر در ایران را تنها از خلال آن دسته از کتاب‌هایی دنبال می‌کنیم که ویژگی‌های زیر را داشته باشند:

- 1- توسط مؤلفان ایرانی به نگارش درآمده باشند.
- 2- در عنوان، به‌صراحت تعلق آن‌ها به جامعه‌شناسی هنر یا رویکرد اجتماعی به هنر مشخص شده باشد⁴.
- 3- محتوای آن‌ها اختصاص به جامعه‌شناسی هنر به‌طور کلی داشته باشد نه هنرهای خاص (مثلاً نقاشی یا موسیقی)⁵.

¹ Strassoldo, Raimondo. *Form and Function: Introduction to the Sociology of Art (Forma e Funzione: Introduzione alla Sociologia dell'Arte)*

² Distinction

³ Pierre Bourdieu

⁴ برای جستجو از پایگاه اینترنتی کتابخانه ملی ایران استفاده شده است. کلیدواژه‌های جستجو شامل «هنر» همراه با یکی از کلمات «جامعه‌شناسی / جامعه‌شناختی»، «اجتماعی»، «جامعه» (در فیلد عنوان) بوده است. زمان جستجو، زمستان 1392 است.

⁵ باید به این نکته اشاره کرد که ممکن است کتابی در حوزه جامعه‌شناسی هنر یا رویکرد اجتماعی به هنر قرار داشته باشد بدون آنکه عنوان کتاب این امر را نشان دهد. از جمله کتاب‌های زیر که البته در شمول مطالعه این مقاله قرار ندارند:

هنر مدرن: بررسی و تحلیل هنر معاصر جهان (مرتضی گودرزی‌دبیاج، سوره مهر، 1385)

4- در قالب یک کتاب تألیفی و یک متن واحد باشند، نه مجموعه مقالات.

به این ترتیب کتاب‌های زیر به عنوان نمونه آماری انتخاب می‌شوند و در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرند:

عنوان	نویسنده	چاپ اول
1 اجمالی از تحقیق ا. ح. آریان‌پور درباره جامعه‌شناسی هنر	امیرحسین آریان‌پور	1354
2 طرحی برای مطالعه‌ی هنر از دیدگاه جامعه‌شناسی	ابراهیم پاشا	1355
3 درآمدی بر جامعه‌شناسی هنر از منظر دکتر علی شریعتی	محمدعلی زکریایی	1378
4 جامعه‌شناسی هنر و ادبیات: مثلث هنر	علی اکبر ترابی	1379
5 نظریه‌های جامعه‌شناسی هنر و ادبیات	اعظم راودراد	1382
6 اراده معطوف به تحول: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی هنر و فرهنگ	محمدحسن احمدی	1385
7 کار هنر: بررسی جامعه‌شناسی عناصر ساختاری سیستم هنر	محمدرضا مریدی، معصومه تقی زادگان	1388
8 مردم‌نگاری هنر: جستارهای جامعه‌شناختی و انسان‌شناختی در زمینهٔ ادبیات و هنر	نعمت‌الله فاضلی	1391

چند کتاب (با اینکه در عنوان خود از کلمات «جامعه‌شناسی» یا «اجتماعی» یا «جامعه» استفاده کرده‌اند) از حوزه مطالعه این مقاله کنار گذاشته شده‌اند؛

- کتاب‌هایی که محدود به یک موضوع یا زمینه خاص هستند:
ایسن آشوگران: کاوشی در زمینهٔ جامعه‌شناسی هنر (امیرحسین آریان‌پور، نشر سپهر، 1351)
واقعیت اجتماعی و جهان داستان: جامعه‌شناسی هنر و ادبیات (جمشید م. ایرانیان، امیرکبیر، 1358)
جایگاه هنر اسلامی در جامعه نوین (علیرضا نوروزی طلب، سوره مهر، 1385)
هنر اجتماعی و ملی (امان‌الله قرایی، نشر ابجد، 1391)
هنر هویت و سیاست بازنمایی: مطالعه‌ای در تاریخ اجتماعی هنر آمریکا (علیرضا صحاف زاده، نشر بیدگل، 1389)
- کتاب‌هایی که در حیطه انسان‌شناسی یا فلسفه قرار می‌گیرند:
شناخت اجتماعی هنر: هنر آدمیان نخستین (رضا علامه‌زاده، نشر جهان کتاب، 1359)
سه نمونه هنرشناسی: امکان فهم تأویلی هنر، تحلیل اجتماعی و مدیریت شناختی هنر معاصر (محمد مهدی موحدی، نشر شمس، 1386)
- کتاب‌هایی که بخش اعظم آن‌ها ترجمه است:
محدوده و گستره جامعه‌شناسی هنر و ادبیات (فیروز شیروانلو، نشر توس، 1355)

نگرشی نو بر هنر معاصر (سهراب هادی، نشر تندیس، 1379)

سیر تفکر معاصر در ایران: آغاز تجدد، دین‌زدایی و غرب‌زدگی در هنر سنتی (محمد مددپور، منادی تربیت، 1386)

- جامعه‌شناسی هنر (شهریار وقفی‌پور، نشر مروارید، 1389)
- هنر و جامعه در جهان ایرانی (شهریار عدل، نشر توس، 1379)
- مبانی جامعه‌شناسی هنر (محمدعلی رامین، نشر نی، 1387)
- نظریه‌های فلسفی و جامعه‌شناختی در هنر (محمدعلی رامین، نشر نی، 1390)
- کتاب‌هایی که مجموعه مقالات یک همایش هستند و یک کتاب تألیفی به حساب نمی‌آیند:
مجموعه مقالات اولین هم‌اندیشی جامعه‌شناسی هنر (فرهنگستان هنر، 1386)
مجموعه مقالات دومین هم‌اندیشی بررسی مسائل جامعه‌شناسی هنر (سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، 1392)
 - کتاب‌هایی که برای آمادگی آزمون‌های هنر است و ارزش علمی ندارد:
مبانی نظری هنر: درس‌گفتارهایی در باب زیبایی‌شناسی، فلسفه، جامعه‌شناسی هنر و نقد هنری (مریم شهبازی، نشر مارلیک، 1390)
 - کتاب‌هایی که چاپ نشده‌اند!
جامعه‌شناسی و بازتاب آن در هنر (اسفندیار نوایی، نشر هوای تازه، 1381)¹

نقد و بررسی کتاب‌های نمونه

1- اجمالی از تحقیق آریانپور در جامعه‌شناسی هنر

کتاب جامعه‌شناسی هنر، تألیف امیرحسین آریانپور² در سال 1354 توسط انجمن کتاب دانشجویان در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، در 233 صفحه و در 9 فصل منتشر شد. همان‌طور که در ابتدای کتاب آمده، این کتاب بخشی است از تحقیق پردامنه آقای آریانپور است که در سال 1324 آغاز و در سال 1354 توسط دانشجویان ایشان به صورت کتاب منتشر شده است. سه منبع اصلی این کتاب عبارت‌اند از مقالات مجله سخن (سال‌های 1340 و 1341)، یک سخنرانی در مجله پیام نوین (1344) و یک مصاحبه در مجله فردوسی (1349). مقدمه کتاب هم در واقع بخشی از مصاحبه آقای آریانپور است. به همین دلیل و اگر متوجه نباشیم که این مقدمه یک مصاحبه بوده، شاید به نظر برسد که نویسنده خیلی سریع و شتاب‌زده رویکردهای غیرجامعه‌شناختی به هنر را رد می‌کند و نتیجه‌گیری می‌کند که شناخت هنر تنها بر مبنای طبقه اجتماعی ممکن است. به‌طور کلی در این کتاب نویسنده کمتر به شرح آراء و تکرار نظریه‌های موجود

¹ اگرچه اطلاعات این کتاب در سایت کتابخانه ملی وجود دارد، اما در تماس با ناشر (هوای تازه) معلوم شد که این کتاب اصلاً منتشر نشده است.

² امیرحسین آریانپور (1380-1303) یکی از اولین جامعه‌شناسان ایرانی است. آریانپور مدتی در مدرسه سپهسالار دروس حوزوی خواند، تحصیلات عالی را نیز در رشته علوم اجتماعی در دانشگاه آمریکایی بیروت گذراند. پس از بازگشت به وطن، در رشته فلسفه و علوم تربیتی در دانشگاه تهران به تحصیل پرداخت و درجه لیسانس گرفت. همچنین در دو رشته علوم سیاسی و ادبیات فارسی نیز در دانشگاه تهران مشغول به تحصیل شد و مدرک لیسانس را دریافت کرد. آریانپور بعد به انگلستان رفت و در رشته ادبیات انگلیسی تحصیلات خود را دنبال کرد و از دانشگاه کمبریج فوق لیسانس گرفت. سپس راهی امریکا شد و در دانشگاه پرینستون مشغول تحصیل گردید و موفق به اخذ دانشنامه دکترای علوم سیاسی اجتماعی شد. همچنین در رشته‌های ادبیات فارسی و فلسفه نیز از دانشگاه تهران دانشنامه دکترا گرفت. وی دارای تالیفات زیادی است از جمله «فرهنگ تفصیلی علوم اجتماعی»، «در آستانه رستاخیز، رساله‌ای در باب دینامیسم تاریخ»، «بزرگ‌مردان تاریخ»، «فروید و فرودیسم»، «آیین پژوهش»، «دو منطق: ایستا و پویا»، «روانشناسی از دیدگاه واقع‌گرایی».

در این حوزه پرداخته و بیشتر طرح روش‌شناسانه‌ی خود را ارائه داده است. چند فصل اول کتاب شامل کنجکاوی‌های انسان‌شناسانه راجع به منشاء هنر است. البته نویسنده نظریاتی راجع به منشاء هنر که هنر را محصول غریزه بازی یا تزیین می‌دانند رد می‌کند و هنر را جزء لاینفک زندگی اجتماعی انسان‌های نخستین می‌داند. این نتیجه‌گیری‌ای است که در چند فصل ابتدایی تکرار می‌شود و البته ایده‌ای است که نویسنده تا پایان کتاب دنبال می‌کند.

از فصل چهارم ایده‌ی «تکامل» و مفهوم «طبقه» وارد کتاب می‌شود و خط سیر اصلی کتاب را تا پایان تعیین می‌کند. این یک ویژگی مثبت برای یک کتاب محسوب می‌شود که نویسنده با رویکرد نظری مشخصی به سراغ جامعه‌شناسی هنر رفته است و به صراحت این رویکرد را مشخص کرده است. تأثیرپذیری نویسنده از مارکس آشکار است، این تأثیرپذیری هم در استفاده از مفهوم طبقه و هم در دیدگاه تکاملی که نویسنده اتخاذ کرده خود را نشان می‌دهد. در سرتاسر کتاب، ایده‌های نظری نویسنده با مصداق‌ها و نمونه‌های تجربی فراوانی همراه شده و داده‌های تاریخی زیادی راجع به هنرهای مختلف ایرانی و غیر ایرانی ارائه شده است که نشان‌دهنده اشراف نویسنده به موضوع کار خود است، به طوری که حتی اگر با مبانی نظری کتاب موافق نباشیم می‌توانیم از این داده‌های تاریخی استفاده کنیم.

ویژگی دیگر این کتاب این است که در آن به موضوع «هنرهای ما»، بی‌توجهی نشده است و آخرین فصل کتاب به شعر فارسی اختصاص دارد. در واقع مهم‌ترین هنری هم که در کل کتاب به آن اشاره می‌شود شعر است؛ اما نقد اصلی که می‌توان به کتاب وارد دانست این است که نویسنده در سرتاسر کتاب طرحی را پی می‌ریزد که در تبیین اجتماعی شعر فارسی نمی‌تواند از آن استفاده کند و در فصل آخر تنها به فاصله‌ی موجود میان طرح نظری خود و واقعیات تاریخی ایران اشاره می‌کند.

نقد دیگری که می‌توان به این کتاب داشت مربوط به چارچوب مفهومی‌ای است که نویسنده برای کتاب در نظر گرفته است. این چارچوب نظری مبتنی بر مفهوم طبقه و ناظر به وجود همیشگی دوطبقه بالا و پایین در جوامع انسانی است. این چارچوب مفهومی، اگرچه کتاب را از خنثی بودن نجات داده و بسیاری از مسائل جامعه‌شناختی هنر را نشان داده (از جمله تمایز طبقاتی در مصرف و تولید هنر) اما از سوی دیگر تنگناهایی را نیز برای تحلیل‌های کتاب ایجاد کرده است. به عنوان نمونه، چارچوب مفهومی که نویسنده در این کتاب پی می‌ریزد باعث می‌شود که به یک مسئله مهم در جامعه‌شناسی هنر یعنی مسئله «مشروعیت» نتواند بپردازد، چراکه هنرهای هر دوطبقه را جداگانه و مختص آن طبقه به حساب می‌آورد. تنها در یکجا (ص 92) به این مطلب اشاره می‌کند که «هنر عوام در تاریخ‌های رسمی هنر مقامی ندارد، توگویی تاریخ هنر جریان واحدی است، جریان هنر خواص». همچنین تقسیم‌بندی‌ای که او از دوطبقه عوام و خواص می‌دهد، خیلی کلی است و حداقل میان دو بعد فرهنگی و اقتصادی طبقه خواص نتوانسته تمایز برقرار کند. در پایان می‌توان به این مطلب اشاره کرد که جمع‌آوری کتاب با استفاده از مقالاتی که قبلاً منتشر شده است، باعث شده تا کتاب انسجام واقعی یک کتاب تألیفی را نداشته باشد. برای مثل فصل پنجم کتاب، با موضوع تمایز شناخت علمی و شناخت هنری، ربط مشخصی با سایر مطالب کتاب ندارد.

2- طرحی برای مطالعه هنر از دیدگاه جامعه‌شناسی

کتاب «طرحی برای مطالعه هنر از دیدگاه جامعه‌شناسی» نوشته ابراهیم پاشا¹ در سال 1355 توسط انتشارات توشه، در 74 صفحه و در 6 فصل منتشر شد.

همان‌طور که از عنوان این کتاب برمی‌آید، کتاب به‌صورت یک طرح برای مطالعه هنرها نگاشته شده است، از همین رو کم‌حجم و کوتاه است. ویژگی مثبت آن، انسجامی است که تا حد زیادی در طرح مطالب کتاب رعایت شده (به‌جز بعضی موارد که در ادامه اشاره خواهد شد)، به‌نحوی که هر مطلب مرتبط با مباحث پیشین کتاب است و در نهایت هدف مشخصی از آن وجود داشته است. نویسنده دیدگاه نظری مشخصی را دنبال کرده است. او از یک طرف نقدی به آریانپور وارد می‌کند که طبقه را به‌عنوان متغیر اصلی در تبیین هنرها در نظر گرفته و از سوی دیگر، ایده خود را برای تبیین جامعه‌شناختی هنرها ارائه داده است. نویسنده مخالف این است که هنر را صرفاً با زیبایی یا مفاهیمی مثل تخیل و الهام تعریف کنیم. در تعریف کتاب از هنر، اولاً نمادها و ثانیاً سفارش اجتماعی ارکان اساسی را تشکیل می‌دهند. نویسنده گزینش نمادها برای تولید یک اثر هنری را مدنظر قرار می‌دهد و آن را دارای یک رابطه منطقی با وقایع خارجی می‌داند.

در مطالعه آثار هنری، کتاب خود را محدود به شاهکارهای هنری کرده است، کارهایی که نویسنده به معنای واقعی کلمه آن‌ها را هنر می‌داند. درواقع تلاش کتاب بر آن است که توضیح دهد چرا یک اثر هنری، تبدیل به شاهکاری هنری و به‌واقع «هنر یک جامعه» می‌شود و هر چیزی غیر از آن را شبه‌هنر می‌داند. هرچند این نگاه از لحاظ نظری، قادر به توضیح مسئله مشروعیت در جامعه‌شناسی هنر است اما مشکل این است که این‌گونه نظریه‌پردازی تنها می‌تواند حاصل وقوف بعد از وقوع باشد. جامعه‌شناس باید منتظر بماند تا شاهکارهای هنری خودشان را نشان دهند و مقبولیت عام پیدا کنند و آنگاه به توضیح این امر بپردازد که چگونه این اتفاق افتاد. همین‌طور نویسنده مشخص نکرده که تعریفش از هنر و تمایزی که با شبه‌هنر قائل می‌شود تا چه حد اخلاقی و تا چه حد جامعه‌شناختی است. از مثال‌هایی که در مورد حافظ و فردوسی و غیره می‌زند، مشخص می‌شود که نویسنده تا حدی زیادی علاقه دارد که یک نگاه اخلاقی به هنر داشته باشد. به‌عنوان مثال در مورد شعر حافظ به برملا کردن ریا اشاره می‌کند.

مفهوم «سفارش اجتماعی» یکی از اساسی‌ترین مفاهیم کتاب است؛ اما چندان مفهوم واضحی نیست. از این رو وقتی می‌گوید «سفارش اجتماعی در شعر حافظ، برملا کردن ریا است یا در کار فردوسی، تقویت اخلاق میهنی است»، درواقع محتوا یا نتیجه یک اثر هنری یا حتی قضاوت فردی نسبت به این آثار را نشان می‌دهد. آنگاه باید پرسید که آیا منظور از سفارش اجتماعی همین بوده است. به‌نظر می‌رسد تعریف سفارش اجتماعی به «رسالت و یا تعهدی که هنرمند نسبت به هم‌شهری‌های خویش در قبال جریاناتی که در شکل زندگی آن‌ها مؤثر واقع شده-

¹ ابراهیم پاشا دارای مدرک دکترا جامعه‌شناسی از آمریکا و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی بوده است. تالیفات وی در زمینه بوروکراسی، روش تحقیق و یک کتاب در زمینه نهضت کوفه است.

است، احساس می‌کند و بی‌آنکه آزادی دیگران را محدود کرده‌باشد با صلاهی یک بیدارباش بار این رسالت را به دوش می‌کشد» (ص 61)، بیشتر احساسی و کمتر جامعه‌شناسانه است.

اشاره به «هنرهای ما» در ذیل بحث‌های نظری به صورت ذکر مثال محقق شده است. «مرغ باران» شاملو، «ای آدم‌ها» ی‌نیم، «بوف کور» هدایت، «آخر شاهنامه» اخوان، «صیادان» اکبر رادی، «چوب بدست‌های ورزیل» ساعدی، شاهنامه فردوسی، موش و گربه عبید و دیوان حافظ از جمله آثاری است که از نظر نویسنده تمام ویژگی‌های یک اثر هنری را دارند.

هرچند همان‌طور که گفتیم در این کتاب به طول کلی پیوستگی مطالب رعایت شده اما در همه جای کتاب مطالبی وجود دارد که ربط آن‌ها به سایر مطالب چندان مشخص نیست. مثلاً از تمایزی که بین هنر روستایی و شهری برقرار می‌شود (ص 27)، هیچ استفاده‌ای در ادامه بحث نمی‌شود. همچنین برخی از استدلال‌های نویسنده جای سؤال دارد. به عنوان مثال تخیل، بازده روانی یک ارگانیسم زیستی غیرمتعادل معرفی می‌شود که همراه با بروز هیجان شکل می‌گیرد (ص 50). بر همین اساس استدلال می‌شود که چون جریان نمادسازی در یک اثر هنری کاملاً منطقی و حاصل یک تعادل زیستی متعارف است، نمی‌تواند حاصل یک امر غیرمتعادل یعنی تخیل باشد. همچنین معلوم نیست مباحثی که در مقدمه کتاب تحت عنوان نظریه «جنرال سیستم» می‌آید، دقیقاً چه کاربردی در ادامه کتاب دارد. کما اینکه تنها در یکجای دیگر به این مطلب ارجاع داده می‌شود. تنها نتیجه‌ای که از این نظریه گرفته می‌شود این است که جامعه یک سیستم کاذب است و هر واقعه اجتماعی را باید با توجه به تغییراتی در نظر گرفت که در جمیع سیستم رفتار افراد شرکت‌کننده حادث شده است؛ اما مفاهیمی مثل سفارش اجتماعی و سازمان عواطف هنرمند به نظر می‌رسد که چندان در چارچوب این نظریه ننگند.

3- درآمدی بر جامعه‌شناسی هنر از منظر دکتر علی شریعتی

کتاب «درآمدی بر جامعه‌شناسی هنر از منظر دکتر علی شریعتی» نوشته محمدعلی زکریایی¹ در سال 1378 توسط نشر آذریون، در 367 صفحه و در 6 فصل منتشر شد.

در این کتاب، آرای دکتر علی شریعتی در موضوع هنر گردآوری شده است. اگرچه این کار مفیدی محسوب می‌شود که نوشته‌ها و سخنرانی‌های یک متفکر را براساس موضوعات خاصی رج زد، اما از آنجایی که این کتاب یک کتاب تألیفی به معنای معمول آن نیست، در نقد کتاب، اولین سؤالی که پیش می‌آید این است که چه کسی را باید نقد کرد: زکریایی یا شریعتی؟

باید از زکریایی شروع کرد و این سؤال را مطرح کرد که چرا عنوان کتاب را «جامعه‌شناسی هنر» قرار داده است، با آنکه خود اذعان داشته «نمی‌توان به اندیشه‌ی موضوعی مرحوم شریعتی پیرامون هنر، از لحاظ آکادمیک و

¹ محمدعلی زکریایی (متولد 1347) دارای مدرک کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی از دانشگاه علامه طباطبایی است. تالیفات وی در زمینه‌های متنوعی از مسائل سیاسی و مسائل اجتماعی است. وی صاحب کتاب‌هایی از جمله «مسائل اجتماعی زنان شهر تهران»، «گفتمان تئوریزه کردن خشونت»، «کوی دانشگاه به روایت رسانه‌ها»، «کنفرانس برلین»، «فهم ایرانی جامعه مدنی»، «فرهنگ مطهر»، «درآمدی بر جامعه‌شناسی روشنفکری دینی»، «جنبش دانشجویی ایران»، «جایگاه علم و روش در اندیشه دکتر شریعتی»، «جامعه‌شناسی شهر تهران»، «جامعه‌شناسی سوء مصرف موادمخدر»، «ترور حجاریان به روایت جناح‌های سیاسی»، «هجدهم تیرماه 78 به روایت جناح‌های سیاسی» است.

علمی نام جامعه‌شناسی هنر نهاد» (ص 17) و این را هم گفته که «این دفتر یک مجموعه کلاسیک و تجربی جامعه‌شناسی هنر نیست، بلکه تنها زمینه و درآمدی بر جامعه‌شناسی هنر به مفهوم عام و موضوع‌های زیبایی‌شناسی از دیدگاه یک متفکر و جامعه‌شناس است» (ص 20). بامطالعه کتاب کاملاً متوجه می‌شویم که اندیشه‌های دکتر شریعتی پیرامون هنر به هیچ‌عنوان تنها در قالب جامعه‌شناسی نمی‌گنجد و درواقع قصد شریعتی هم این نبوده که خود را به جامعه‌شناسی محدود کند.

شیوه تفکر و نگارش شریعتی درباره هنر را باید یک شیوه فلسفی و انتقادی دانست. فلسفی دانستن این شیوه نگارش به خاطر این است که شریعتی اندیشیدن درباره هنر را از انسان‌شناسی آغاز می‌کند و منظور او نه آن انسان‌شناسی که در چارچوب علوم اجتماعی تعریف می‌شود، بلکه منظور تعریف انسان است. او انسان را از منظر اسلام تعریف می‌کند. با این نگاه انسان جمع ضدین و آمیزه‌ای از خاک و خداست و هنر را نیز بر همین اساس تعریف می‌کند.

شریعتی هنر را زاده‌ی اضطراب و دغدغه‌ی غربت و تنهایی انسان متعالی می‌داند که خود را روی خاک تبعیدی احساس می‌کند و هوای وطن دارد. از این رو، سرچشمه مذهب، عرفان و هنر را یکسان می‌داند. بر مبنای همین شیوه تفکر، نگاهی انتقادی به هنر به‌طور کلی و هنر معاصر می‌اندازد. او مدام از رسالت هنر حرف می‌زند و نسبت به انحراف هنر هشدار می‌دهد و نظر خود را راجع به اینکه هنر باید چنین باشد یا چرا چنین نیست می‌دهد.

اما نباید این‌گونه پنداشت که افکار شریعتی تهی از اندیشه جامعه‌شناختی است. اگر از برخی انشاءنویسی‌ها و ادبی‌نویسی‌ها بگذریم (مثلاً «هنر آن امانتی است که خداوند به انسان داد. به زمین و آسمان و همه کوه‌ها و دریاها عرضه کرد، هیچ‌کدام برنداشتند...» یا «هنر خواهر زیبای عرفان و حکمت است. هنر همسر بس‌دان خوب‌فهم توانای مذهب است»)، در سراسر کتاب شاهد نمونه‌هایی از تفکر جامعه‌شناختی هستیم. شریعتی نسبت به هنر مدرن و جایگاه ما در آن حساس است و این جایگاه را پایین نمی‌داند (ص 23). اشاره‌ای به تفاوت طبقاتی در مصرف هنر می‌کند و می‌گوید که امروزه برخلاف گذشته، زمام هنر جدید به دست اشرافیت نیست. حتی رابطه دغدغه‌های خودش را با وضعیت طبقاتی نشان می‌دهد و دلهره و غم و بدبینی را خاص طبقه مرفه می‌داند (ص 51). یکجا هم به نظریه دورکیم در مورد ریشه داشتن هنر در مذهب ارجاع می‌دهد (ص 46)؛ اما همه این‌ها، بخش کمی از کار شریعتی را تشکیل می‌دهد و همان‌طور که گفتیم بخش اعظم کار او را همان نگاه فلسفی تشکیل می‌دهد. شریعتی به‌صراحت بر روی نوع انسان به‌طور کلی و نیاز فطری انسان تأکید می‌کند. این باعث می‌شود که از جهت نظری به تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی و رابطه آن با تولید و مصرف هنر کمتر بتواند بپردازد.

اشاره به هنرهای ما در چند فصل از کتاب صورت می‌گیرد. فصل سوم به ادبیات و شعر اختصاص دارد. در فصل پنجم به هنرهای دیگری از جمله معماری اسلامی، موسیقی و نمایش اشاره می‌شود.

شیوه جمع‌آوری و فصل‌بندی کتاب هم به گونه‌ای است که از یک‌طرف با تکرار مطالب روبرو هستیم و از طرف دیگر مطالب کتاب یکدست و هماهنگ نیست. مباحث مربوط به خویشاوندی هنر و مذهب و عرفان و

همچنین مباحث مربوط به رسالت هنر در چند جای کتاب تکرار شده است. حجم فصول کتاب تفاوت زیادی با هم دارند و از 20 تا 80 صفحه را در برمی گیرد. پیدا کردن سیر تفکر شریعتی در برخی فصول سخت و ناممکن می شود. از جمله در فصول مربوط به زیبایی شناسی، ادبیات و هنرها که گاه مطالب و مفاهیمی بدون پیش زمینه مطرح می شود و در مورد مباحثی مثل سمبولیسم، در نهایت جایگاه آن ها مشخص نمی شود.

4- جامعه شناسی هنر و ادبیات: مثلث هنر

کتاب «جامعه شناسی هنر و ادبیات: مثلث هنر» نوشته علی اکبر ترابی¹ در سال 1379 توسط انتشارات فروغ آزادی تبریز، در 210 صفحه و 16 فصل منتشر شد.

کتاب شامل دو بخش است. بخش اول کتاب که بخش کوتاهی است، به توضیحات و تعاریفی کلی پیرامون جامعه شناسی هنر و ادبیات اختصاص دارد. در بخش دوم با انتخاب سه شاعر ایرانی (فردوسی، نیما و شهریار) مباحثی درباره زندگی، کار و مضمون اشعار این سه شاعر آورده می شود. این مباحث شامل شرایط اجتماعی و فرهنگی زندگی این شاعران، نوآوری در شعر، شعر و جامعه و مضمون عشق است.

بخش اول کتاب می تواند بخش مهمی باشد و پایه بخش دوم را تشکیل دهد؛ اما سه فصلی که در این بخش وجود دارد، بسیار کوتاه و کم عمق و سرشار از مطالب تکراری است. تعاریف متعددی از جامعه شناسی و جامعه شناسی هنر و جامعه شناسی ادبیات در این بخش آمده است.² در بیان حدود و موضوع جامعه شناسی هنر به جملات کلی (مثل اینکه هنرمند محصول جامعه است یا شاهکارهای هنری، عصاره ای از فرهنگ جامعه هستند) بسنده شده است. اگرچه در این بخش از سه جنبه ی زیباشناختی، شناختی و آرمانی برای هنر نام برده می شود (ص 19) اما این سه جنبه بدون توضیح رهامی شوند و در ادامه کتاب نیز استفاده ای از این تمایز نمی شود. در فصلی هم که قرار است از پیشینه جامعه شناسی هنر و ادبیات صحبت شود، از ابن خلدون و منتسکیو به عنوان دو مرحله از مراحل سیر تکوین جامعه شناسی هنر و ادبیات نام برده می شود و به این ترتیب تاریخچه واقعی جامعه شناسی هنر و ادبیات بیان نمی شود. در ادامه این بخش نیز به تعاریفی از جامعه شناسی و تفاوت آن با سایر علوم اجتماعی می پردازد.

توجه به «هنرهای ما» را می توان وجه شاخص این کتاب دانست. در واقع بخش دوم کتاب که بخش بزرگ تر کتاب است به ادبیات ایران و به طور خاص شعر اختصاص دارد؛ اما با اینکه در قسمت های مختلف کتاب و حتی در تعریف جامعه شناسی ادبیات که در بخش اول آمده، تأکید زیادی روی علمی بودن جامعه شناسی ادبیات

¹ علی اکبر ترابی (متولد 1305) فارغ التحصیل دکترای جامعه شناسی و فلسفه علوم از دانشگاه سوربن فرانسه و استاد سابق دانشگاه تبریز است. وی دارای تالیفات متعددی از جمله «تاریخ ادیان»، «فلسفه علوم»، «تغییرات اجتماعی و توسعه و آینده نگری»، «جامعه شناسی ادبیات»، «جامعه شناسی ایران امروز»، «جامعه شناسی تبلیغات»، «جامعه شناسی روستایی»، «جامعه شناسی و دینامیسم اجتماع»، «شعر نو هنری در پیوند با تکامل اجتماعی»، «مردم شناسی» و «مکاتب جامعه شناسی معاصر» است.

² جامعه شناسی هنر با روش علمی، عوامل و عناصر به وجود آورنده هنرها و محیط طبیعی و اجتماعی دربرگیرنده و پرورنده هنر و هنرمند را مطالعه می کند (مقدمه) - جامعه شناسی هنر، روابط متقابل هنر و مظاهر مختلف زندگی اجتماعی را موضوع مطالعه خود قرار می دهد (ص 15) - جامعه شناسی هنر به شناخت علمی هنر و زندگی اجتماعی به ویژه بستگی های متقابل این دو می پردازد (ص 33).

شده است، معلوم نیست که وجه علمی خود این کتاب بابت چیست. لحن کتاب بیشتر ادبی است تا علمی. نویسنده به طور کلی قصد این را دارد که سه شاعر ایرانی را بستاید و اهمیت آن‌ها را در تاریخ و فرهنگ ایران نشان دهد؛ بنابراین حجم بیشتر مطالب کتاب به تمجید و ستایش این شاعران اختصاص دارد.¹ همچنین معیار فصل‌بندی کتاب معلوم نیست؛ اینکه چرا از میان تمام معیارهایی که می‌توان برای بررسی شعر فارسی انتخاب کرد، نوآوری و عشق انتخاب می‌شود؟ اگر بخواهیم یک چکیده از مطالب اجتماعی که در این بخش است به دست بیاوریم باید به قسمت‌هایی که به زندگی و محیط اجتماعی این شاعران پرداخته می‌شود، نقشی که شعر این شاعران در زمانه خود آن‌ها ایفا می‌کند و دیدگاهی که فردوسی درباره نژاد ایرانی دارد؛ اشاره کنیم.

از لحاظ نظری، کتاب دارای این ضعف عمده است که هیچ چارچوب مفهومی یا نظری برای آن اندیشیده نشده است. نمی‌توان مجموعه‌ای از مفاهیم را برشمرد که بتوان گفت کتاب پیرامون این مفاهیم شکل گرفته است. از این رو گاهی مفاهیمی در کتاب به چشم می‌خورد که هیچ پیش‌زمینه یا هیچ تعریفی برای آن‌ها در کتاب وجود ندارد. به عنوان مثال مفهوم «سفارش اجتماعی» برای اولین بار در صفحه 68 کتاب آمده است.

در پایان باید گفت که این کتاب از آن دست کتاب‌هایی است که در واقع باید مقاله باشند. می‌توان گفت که همه مطالب کتاب (با حذف همه مطالب تکراری و برانگیزاننده که خالی از واقعیات علمی است) در یک مقاله قابل بیان بود.

5- نظریه‌های جامعه‌شناسی هنر و ادبیات

کتاب «نظریه‌های جامعه‌شناسی هنر و ادبیات» نوشته اعظم راودراد² در سال 1382 توسط انتشارات دانشگاه تهران، در 171 صفحه و در 5 فصل منتشر شد.³

در این کتاب نظریه‌های جامعه‌شناسی هنر شرح داده شده است و از آنجایی که به هیچ وجه اشاره‌ای به «هنرهای ما» (هنرهای ایرانی) نشده است تا حد زیادی در قالب یک کتاب درسی درآمده است؛ کما اینکه در مقدمه کتاب، انگیزه انتشار این کتاب نیاز به منبعی برای جمع‌بندی و مقایسه نظریه‌ها عنوان شده است. از این رو در این کتاب به معرفی و نقد افکار مهم‌ترین نظریه‌پردازان کلاسیک جامعه‌شناسی هنر اقدام شده است. تنها چیزی که مانع می‌شود این کتاب را کتابی درسی بدانیم این است که نویسنده رویکرد نظری مشخصی را پی گرفته است. نویسنده به طور خاص هنر را یک معرفت می‌داند و از منظر جامعه‌شناسی معرفت (به خصوص نظریه‌های ماکس شلر) به هنر نگریسته است. در فصل پایانی کتاب سعی شده است که با به کارگیری نظریه جامعه‌شناسی معرفتی ماکس شلر، رویکرد تازه‌ای در حوزه هنر پیشنهاد شود.

¹ تعبیری مثل سه بزرگمرد تاریخ فرهنگ و ادب، نفس گرم حماسی و هنر پولادین فردوسی، شهریار این همیشه عاشق، شهریار ملک سخن و فرمانروای دل‌ها، نیما شاعری است از اعماق و غیره گویای این مطلب است.

² اعظم راودراد (متولد 1340)، دارای مدرک دکترای جامعه‌شناسی از استرالیا و عضو هیأت علمی گروه ارتباطات دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. وی صاحب کتاب‌های «جامعه‌شناسی سینما و سینمای ایران» و «دین و رسانه» است. همچنین نویسنده مقالات متعددی در زمینه هنر، رسانه و سینما است.

³ در این مقاله چاپ دوم این کتاب مورد بررسی قرار گرفته است (سال 1389).

جامعیت نظریات بررسی شده در حیطه جامعه‌شناسی هنر و ادبیات و تلاش نویسنده برای بیان کامل نظریه‌ها ویژگی مثبت کتاب به‌شمار می‌رود. در این کتاب آرای بسیاری از نظریه‌پردازان مطرح در حوزه جامعه‌شناسی هنر و ادبیات طرح شده‌است؛ از جمله هاوزر، لوکاک، گلدمن، ولف، آدورنو، کروچه و غیره. برای هرکسی که بخواهد مروری کلی بر نظریات جامعه‌شناسی هنر و ادبیات داشته‌باشد، این کتاب یک شروع خوب خواهد بود. بسیاری از سرفصل‌ها و موضوعات مطرح در جامعه‌شناسی هنر در این کتاب مورد اشاره قرار گرفته است؛ از جمله مسئله شاهکارهای هنری و مسئله استقلال هنر.

اما دو هدفی که نویسنده در آغاز برای نگارش این کتاب داشته (از یک طرف درسی بودن کتاب به نحوی که عنوان کتاب دقیقاً یکی از سرفصل‌های دانشگاهی است و از طرف دیگر طرح یک نظریه شخصی در خصوص استفاده از جامعه‌شناسی معرفت در تحلیل جامعه‌شناختی هنر) باعث برخی دوگانگی‌ها در بیان مطالب کتاب شده‌است. برای مثال در فصل اول هنر، یکی از مقوله‌های معرفت معرفی می‌شود و وجه تمایز آن نسبت به دیگر وجوه معرفت، غیر گفتاری و غیربیانی بودن آن ذکر می‌شود (ص 1). این تعریف متناسب با جهت‌گیری کلی نویسنده در استفاده از جامعه‌شناسی معرفت در جامعه‌شناسی هنر است؛ اما کمی جلوتر، زیبایی به عنوان تعریفی برای هنر ذکر می‌شود (ص 9). آنگاه این سؤال پیش می‌آید که نسبت زیبایی با معرفت چیست؟ همچنین اگر ویژگی متمایز هنر سرشت غیر گفتاری و غیر بیانی آن است، چرا ادبیات یک هنر دانسته شده است و یک فصل از کتاب به موضوع ادبیات اختصاص داده شده‌است؟

برای استفاده از نظریه جامعه‌شناختی معرفت ماکس شلر درباره هنر نیاز به توضیحات بیشتری وجود داشته‌است. درواقع معلوم نمی‌شود که ضرورت طرح این مبحث چه بوده است. به عنوان مثال تاکنون چه تلقی دیگری از هنر در جامعه‌شناسی ایران مسلط بوده که نویسنده را بر آن داشته تا تلقی جدیدی را ارائه کند؟ همچنین نشان داده نشده‌است که این تلقی نظری جدید، از لحاظ تجربی چگونه می‌تواند مفید واقع شود. کما اینکه اما در استفاده از جامعه‌شناسی معرفت ماکس شلر تنها به این امر اکتفا شده‌است که هر جا کلمه معرفت آمده آن را با هنر جایگزین کند و این کار تنها این گونه مستدل شده که هنر خود نوعی معرفت است؛ اما اولاً که نیاز است ثابت شود هنر جز بعد معرفتی، واجد وجوهی دیگر نیست (مسئله زیبایی چه می‌شود؟) و ثانیاً حتماً نیاز است تا به وجه تمایز هنر با سایر انواع معرفت به قدر کافی توجه شود. این مورد مخصوصاً از این جهت مهم است که در مورد ویژگی متمایز هنر در کتاب، نظرات مختلفی بیان شده‌است. یکبار غیر بیانی بودن، یکبار اتکا بر احساس، یکبار غیر کاربردی بودن.

در پایان باید گفت که در این کتاب هیچ اشاره‌ای به «هنرهای ما» نشده‌است. کتاب کاملاً خود را به عنوان یک کتاب نظری تعریف کرده است و هیچ جای کتاب به شکل تجربی و حتی در حد مثال و مصداق به هیچ هنری اشاره نشده است. از آنجایی که در این کتاب یک نظریه تازه در جامعه‌شناسی هنر مطرح شده‌است، خوب بود اگر برای نشان دادن کفایت تجربی این نظریه، در تحلیل هنرهای ما از آن استفاده می‌شد.

6- اراده معطوف به تحول (مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی هنر و فرهنگ)

کتاب «اراده معطوف به تحول (مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی هنر و فرهنگ)» نوشته محمدحسن احمدی¹ در سال 1385 توسط انتشارات سوره مهر، در 200 صفحه و 4 فصل منتشر شد.

«اراده معطوف به تحول» یادآور «اراده معطوف به قدرت» نیچه است؛ بنابراین اگرچه عنوان فرعی کتاب به «جامعه‌شناسی فرهنگ و هنر» اشاره دارد، بیش از آنکه با یک کتاب جامعه‌شناختی روبرو باشد، با یک نگارش فلسفی سروکار داریم. به این ترتیب نویسنده با یک فرض، بحث خود را آغاز می‌کند، اینکه انسان میل فطری به خلق و تغییر دارد. این فرض پایه همه مطالب را تشکیل می‌دهد. بر همین اساس است که هنر تعریف می‌شود. هنر در این کتاب عبارت است از نوآوری و ابداع و از سوی دیگر، هرگونه تغییر و تحولی که در اثر اراده اندیشمندانه انسان رخ می‌دهد، هنر نام دارد. با این تعریف از هنر، فاصله این کتاب، با یک کتاب متعارف جامعه‌شناسی هنر مشخص می‌شود. درواقع در این کتاب تعریف عامی از هنر ارائه شده که بیشتر (همان‌طور که در این کتاب اتفاق افتاده است) برای نقد فلسفی فرهنگ به کار می‌آید.

ویژگی مثبت کتاب، رویکرد نقادانه نسبت به فرهنگ و هنر معاصر است. در سراسر کتاب، نسبت به جوانب مختلف فرهنگ جوامع معاصر نقدهای مختلفی ارائه شده است. اگرچه نگاه انتقادی نویسنده، ستودنی است اما همین نگاهی انتقادی باعث شده که نویسنده بخواهد چیزهای مختلفی را در یک کتاب 200 صفحه‌ای نقد کند: از جمله برهنگی، کم‌رنگ شدن آرمان‌گرایی، دیده‌محوری، تسلط امپراتوری‌های قدرت و رسانه، دموکراسی، عدم-مشارکت در انتخابات سیاسی و غیره. به همین دلیل به نظر می‌رسد مطالب کتاب، سیر طبیعی ندارد و برخی سرفصل‌ها بدون ارتباط منطقی با متن کتاب در آن گنجانده شده است. مثلاً در فصل اول، ابتدا از رابطه هنر و ساختار اجتماعی صحبت می‌شود، سپس از چرخه سنت و تجدد سخن به میان می‌آید و بعد به ترتیب بحث مخاطبان هنر، تأثیر متقابل هنرمند و مخاطب و اثر هنری، رابطه هنر و فن و علم مطرح می‌شود. بعد از حدود 35 صفحه، سرفصل تازه‌ای به اسم «بصری شدن ساختار فرهنگی جوامع» باز می‌شود. به این ترتیب معلوم نمی‌شود نسبت و رابطه‌ی این سرفصل‌ها با یکدیگر چیست. شاید بخشی از این عدم انسجام به خاطر این باشد که بیشتر مطالب این کتاب به صورت مقالات جدا در کتاب ماه هنر منتشر شده بود.

ضعف مهم کتاب این است که تنوع بالای مطالب همراه با مفاهیم و نظریه‌های گوناگون مانع از آن شده که بتوان جمع‌بندی دقیقی از کتاب ارائه داد. در سراسر کتاب مفاهیم زیادی به کار گرفته شده است که هم ربطی بین آن‌ها ایجاد نشده و هم فرصت پرداخت کافی به آن‌ها وجود نداشته است. اگر بخواهیم به مفاهیم متعددی که در سراسر کتاب به کار گرفته شده، اشاره کنیم باید لیست بزرگی تهیه کنیم: تحول، فطرت، فرهنگ، گشتالت، هنر، شبه‌هنر، دیده‌محوری، نظریه بازتاب، نظریه دریافت، کائوتیک²، مم¹، ممیتیک²، پلورالیسم، گلوبالیسم، طبیعی جلوه دادن، تخدیر، ایدئولوژی، فناوری، توسعه و غیره.

¹ محمدحسن احمدی (متولد 1328) دارای مدرک دکترای جامعه‌شناسی فرهنگ و ارتباطات بوده و تاکنون مسئولیت‌هایی چون ریاست دانشگاه شهید بهشتی (1360-1361) و مشاور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی را بر عهده داشته و عضو هیأت علمی دانشگاه هنر است. وی علاوه بر این کتاب، مقالاتی با عنوان «بصری شدن ساختار فرهنگی جوامع»، «خلاقیت ویژگی انسان»، «غرب مدرن، غرب بی‌دینی»، «مناسبات هنر و قدرت»، «هژمونی تصویرسازی و جهان کردن» دارد.

² Chaotic

اگرچه ایده اصلی که در تمام کتاب دنبال می‌شود، همان عنوان کتاب یعنی «اراده معطوف به تحول» است و سعی شده که فرهنگ و هنر بر اساس این اراده یا میل فطری انسانی تعریف شود؛ اما در قسمت‌های مختلف کتاب از ایده‌ها و نظریه‌های مختلفی برای بیان مطالب استفاده شده است. برای مثال در صفحه 31 از علم ممیتیک (هم‌آوا و مترادف با علم ژنتیک در زیست‌شناسی) نام می‌برد و آن را راهی برای شناخت دقیق‌تر ساختار فرهنگی جامعه معرفی می‌کند؛ اما در ادامه این بحث رها می‌شود و تا صفحه 108 دیگر به آن اشاره‌ای نمی‌شود. در نهایت کتاب تبدیل به یک انشای طولانی شده است و در قسمت‌های مختلف کتاب اشاره‌ای به شواهد و قراین نشده است. سراسر کتاب پر است از جملاتی مثل این: «همواره رقابت بین حکام منطقه‌ای و محلی موجبات رشد و تعالی فرهنگ و هنر و در نتیجه علم و فناوری و تمدن را فراهم کرده است زیرا تنوع سلاقی حکام و تعدد آن‌ها اجازه تکثر و تنوع در خلاقیت‌ها و ابداعات هنرمندان و مبتکران را فراهم می‌نموده است» که بدون اشاره به موارد تاریخی و شواهد تجربی ذکر شده است. تنها یکجا (در بحث آرمان‌گرایی) به یک تحقیق تجربی اشاره شده است. همچنین با آنکه در پایان کتاب، فهرستی طولانی از منابع آمده، اما هیچ جای کتاب به این منابع ارجاعی داده نشده است. در پایان باید گفت که در این کتاب به «هنرهای ما» پرداخته نشده است مگر در حد چند مثال و تنها در بند آخر کتاب، اظهار امیدواری شده که دانشجویان جوان بتوانند فضایی تازه در فرهنگ ایران ایجاد کنند.

7- کارِ هنر (بررسی جامعه‌شناختی عناصر ساختاری سیستم هنر)

کتاب «کارِ هنر (بررسی جامعه‌شناختی عناصر ساختاری سیستم هنر)» نوشته محمدرضا مریدی³ و معصومه تقی‌زادگان⁴ در سال 1388 توسط انتشارات آستان قدس رضوی، در 240 صفحه و در 6 فصل منتشر شد.

در این کتاب با بهره‌گیری از دیدگاه سیستمی لومان و پارسونز به مطالعه عناصر ساختاری سیستم هنر پرداخته شده است. هدف نویسندگان ارائه مفاهیم پایه و همچنین ارائه مدل طبقه‌بندی شده از مفاهیم جامعه‌شناسی هنر است. نظر نویسندگان بر این است که تاکنون با وجود رویکردهای متنوع در جامعه‌شناسی هنر، یک نظریه منسجم در این حوزه به وجود نیامده است. از این رو قصد آن‌ها تحلیل همزمان همه عناصر هنر است. نویسندگان رویکرد سیستمی را به این دلیل به کار می‌گیرند که از تفکر ذات‌انگارانه درباره اثر هنری فاصله بگیرند، اگرچه این نکته مثبتی برای یک کتاب به حساب می‌آید که با یک رویکرد نظری مشخص به مطالعه موضوع اقدام کند، اما با اینکه دو مرجع اصلی نظریه‌های این کتاب لومان و پارسونز هستند، اما در بحث‌های

¹ Mem

² Memetic

³ محمدرضا مریدی (متولد 1357) دارای مدرک دکترای جامعه‌شناسی و عضو هیأت علمی دانشگاه هنر است. وی مقالات مشترک متعدد با معصومه تقی‌زادگان و با به طور مستقل در زمینه هنر و نقاشی دارد و کتاب اخیرش «هنر به مثابه کار جمعی: ساخت نظری جامعه هنری در نقاشی معاصر ایران» نام دارد.

⁴ معصومه تقی‌زادگان (متولد 1359) دانشجوی دکتری ارتباطات اجتماعی دانشگاه تهران است. وی مقالاتی با موضوع هنر دارد و کتاب اخیر او «سیاست‌گذاری در سینمای ایران» است.

کتاب ارجاعات کمی به کتاب پارسونز شده است و بیشتر از منابع دست دوم استفاده شده است. همچنین کتاب اختصاصی که لومان راجع به هنر دارد در منابع کتاب وجود ندارد.¹

استفاده از نظریات پارسونز در این کتاب به این منجر شده است که جامعه‌شناسی هنر به چهار عنصر تقسیم شود و دوباره هر کدام از این عناصر به چهار عنصر دیگر تا در مدل پارسونز جا بگیرد. اگر نگاهی به فهرست مطالب کتاب بیندازیم می‌بینیم که کتاب چهار فصل اصلی دارد (دنیای هنر، هنرمند، مخاطب و اثر هنری). ذیل هر فصل نیز چهار بخش تعریف شده که مطابق با عناصر چهارگانه پارسونز است. روش نگارش کتاب در هر فصل این چنین است که ابتدا شرحی از موضوع آن فصل داده می‌شود و سعی می‌شود نظرات مختلفی که درباره آن موضوع وجود دارند بیان شود سپس از دل این توضیحات چهار و فقط چهار عنصر استخراج می‌شود تا در نهایت بتواند در چارچوب مدل پارسونز قرار بگیرد. برای مثال چهار عنصر مربوط به هنرمند عبارت‌اند از: نبوغ، آفرینش گری، هویت اجتماعی و هویت فردی. چهار عنصر مربوط به مخاطبان عبارت‌اند از: ریخت‌شناسی مخاطبان، لذت مخاطب از اثر هنری، ادراک مخاطب از اثر هنری و موقعیت فرهنگی مخاطب.

آغاز هر فصل خیلی خوب شروع می‌شود. مثلاً فصل سوم در ابتدا راجع به اسطوره هنرمند نابغه است و سپس به این نکته می‌پردازد که باید همه جنبه‌های هنرمند مورد نظر قراگیرد؛ اما سؤال اینجاست که اگر بشود هنر را به مثابه یک سیستم مورد توجه قرارداد، آیا عناصری مثل مخاطب یا به طور خاص تر «لذت مخاطب» را باز می‌توان به عنوان یک سیستم در نظر گرفت و آنگاه از الزامات کارکردی آن سخن گفت؟ این چیزی است که نویسندگان هیچ توضیحی درباره آن نمی‌دهند. در واقع نویسندگان مدام خود را مجبور می‌کنند تا هر چیزی را به چهار قسمت تقسیم کنند تا در چارچوب مدل پارسونز قرار بگیرد. همچنین در مورد توزیع عناصر ذیل الزامات کارکردی متعدد، توضیحات روشن‌گرانه‌ای داده نمی‌شود. برای مثال در فصل مخاطب، ذیل بحث «لذت مخاطب»، عنصر ساختاری «لذت شناختی» متناظر با الزام کارکردی «انسجام بخشی» و عنصر «لذت زیبایی» متناظر با «حفظ الگو» در نظر گرفته شده است (ص 144). هیچ جا توضیح داده نشده که این تناظر بر چه اساسی صورت گرفته است و اساساً قرار است از این تناظر چه استفاده شود.

در نهایت همان طور که نویسندگان از اول گفته بودند، با این کتاب، چیز جدیدی به جامعه‌شناسی هنر اضافه نمی‌شود و فقط مباحث موجود به شکل جدول‌های متعدد منظم می‌شوند و یک دستگاه توصیفی برای هنر ایجاد می‌شود. دلیل این امر این است که بحث‌های کتاب صرفاً نظری و مفهومی است و هیچ جا به شکل تجربی به هنر پرداخته نمی‌شود. ضعف این کتاب به عنوان یک تألیف فارسی در جامعه‌شناسی هنر این است که به موضوع هنرهای ما اصلاً توجه نشده است. این در حالی است که چنین نگاه انتزاعی به جامعه‌شناسی هنر تنها وقتی می‌تواند قدرت تحلیلی خود را نشان دهد که به شکل تجربی در قالب یک پژوهش به کار گرفته شود. نویسندگان می‌توانستند به عنوان کاربردی از چارچوب تحلیلی خود یک تحقیق تجربی را به کار خود ضمیمه کنند تا نمونه‌ای از کاربرد این شیوه تحلیلی را نشان دهند.

¹ Luhmann, Niklas. Art as a Social System. Stanford University Press. 2000.

8- مردم‌نگاری هنر: جستارهای جامعه‌شناختی و انسان‌شناختی در زمینهٔ ادبیات و هنر

کتاب «مردم‌نگاری هنر: جستارهای جامعه‌شناختی و انسان‌شناختی در زمینهٔ ادبیات و هنر» نوشته نعمت‌الله فاضلی¹ در سال 1391 توسط انتشارات فخرآکبا، در 304 صفحه و 18 فصل منتشر شد.

کتاب مجموعه چند جستار است که در دو بخش تنظیم شده‌است. بخش اول به‌طور خاص به‌منظور ارائه یک کتاب آموزشی نگاشته شده‌است و شامل مباحثی پیرامون حوزه‌های مختلف جامعه‌شناسی هنر، مطالعات فرهنگی و اجتماعیات در ادبیات فارسی است؛ اما بخش دوم کتاب مقالات پراکنده‌ای پیرامون موضوعات مختلف از جمله عکس، نقاشی، کنسرت، رمان و موسیقی را شامل می‌شود. به این ترتیب کتاب در مجموع و به‌خصوص در بخش دوم دچار عدم انسجام است. تعدد عناوینی که برای مقاله‌ها انتخاب شده و در عنوان کتاب هم پیداست (از جمله جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، مطالعات فرهنگی، ریخت‌شناسی و مردم‌نگاری) از انسجامی که یک متن علمی به آن نیازمند است کاسته است.

در بخش اول کتاب شرحی از ویژگی‌ها، روش کاربرد، دامنه موضوع، نظریه‌ها و نوع مطالعه‌ی رویکردهای مختلف مطالعه هنر از جمله جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی بیان می‌شود. اگرچه در همین بخش تلاش برای توضیح تمایز میان دیدگاه‌های زیباشناختی، روانکاوانه، تاریخی و فلسفی با دیدگاه جامعه‌شناختی به هنر ستودنی است، اما اینکه جامعه‌شناسی هنر با ارجاع به کتاب آریانپور صرفاً توصیف‌شود جای سؤال دارد (ص 20). البته آریانپور نکات خوبی را در جامعه‌شناسی هنر مورد توجه قرار داده‌است اما هم دیدگاهش منطبق بر رویکرد ویژه‌ی به جامعه‌شناسی هنر است و هم‌زمان زیادی از نگارش کتاب او می‌گذرد؛ بنابراین نمی‌توان و نباید تمام تغییرات و تطورات جامعه‌شناسی هنر در این چهار دهه را نادیده گرفت. البته نویسنده در ادامه نظریات بکر، ولف، الیاس، بوردیو و غیره را در جامعه‌شناسی هنر مطرح می‌کند.

ویژگی مثبت کتاب در این بخش، ارائه تاریخچه‌ای از جامعه‌شناسی هنر در ایران و جهان است. در این بخش بحث اجتماعیات در ادبیات پیش کشیده می‌شود. اهمیت این بحث به خاطر این است که تا قبل از فراگیر شدن گفتمان جامعه‌شناسی هنر در ایران، اجتماعیات در ادبیات رویکرد اصلی نگاه به هنر و ادبیات از منظر علوم اجتماعی بوده‌است. طرح نظریات پسااستعماری و فمینیستی در هنر هم به علت اهمیتی که این نظریات دارند بسیار بجا است.

بخش دوم کتاب که عنوان «مردم‌نگاری‌های هنر» را بر روی خود دارد، قسمت اعظم کتاب را به خود اختصاص داده‌است. نویسنده در این بخش، رویکرد آموزشی بخش اول را ندارد و قصد دارد با روش مردم‌نگاری به تولید دانش در زمینهٔ های مختلف هنری بپردازد. مطالب این بخش بیشتر شخصی و داستان‌گونه است. اگرچه توقع می‌رفت نویسنده حتماً روش کار خود یعنی (مردم‌نگاری) که عنوان کتاب نیز هست را به‌طور مشخصی

¹ نعمت‌الله فاضلی (متولد 1343) دارای مدرک دکترای انسان‌شناسی از مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن و عضو هیأت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی است. تمرکز کارهای وی در زمینه مطالعات فرهنگی و مردم‌نگاری است. تالیفات وی عبارتند از «مدرن یا امروزی شدن فرهنگ ایران: رویکردی انسان‌شناختی و مطالعات فرهنگی»، «مردم‌نگاری سفر: توصیف‌ها و تحلیل‌های انسان‌شناختی از فرهنگ و جامعه امروز غرب»، «انسان‌شناسی مدرن در ایران معاصر: تاریخچه، تحولات، مسائل و چالش‌ها»، «مردم‌نگاری آموزش: چند مطالعه مردم‌نگارانه در زمینه آموزش و پرورش ایران امروز»، «فرهنگ و شهر: چرخش فرهنگی در گفتمان‌های شهری با تکیه بر مطالعات شهر تهران».

توضیح‌دهد اما این اتفاق در کتاب نیافتاده است. در نتیجه خواننده غیر آشنا با این روش، چندان تمایزی بین مطالب یک مردم‌نگار و یک نفر که تنها ذوقی در هنر و نوشتن دارد نمی‌تواند بگذارد.

«هنرهای ما» در این کتاب در توجه به ادبیات فارسی و به‌خصوص جلال آل‌احمد، موسیقی ایرانی و به‌طور خاص یک کنسرت موسیقی سنتی ایران و قصه‌های شوخی ایرانی خود را نشان داده‌است. در مورد موسیقی، نویسنده شرحی از کنسرت چکناواریان و ناظری در لندن به دست می‌دهد. او موسیقی را یک‌زبان معرفی می‌کند که باید از همان کودکی آموخته شود. در پایان کنسرت نظر یک زوج انگلیسی راجع به موسیقی ایرانی را می‌پرسد. در فصل دیگری با عنوان جامعه‌شناسی موسیقی، رسانه‌ای شدن موسیقی در ایران را مورد بررسی قرار می‌دهد. او در این فصل می‌نویسد که موسیقی اهمیت فوق‌العاده‌ای در زندگی ما پیدا کرده‌است، همه ما در معرض موسیقی هستیم و موسیقی دارای کارکردهای گسترده‌ای شده‌است. در این فصل به فرآیندهای همگانی‌شدن، سیاسی‌شدن، تجاری‌شدن، مصرفی‌شدن، عامیانه‌شدن، بصری‌شدن، عرفی‌شدن و جهانی‌شدن موسیقی اشاره می‌شود. فصل دیگری از این بخش، به بررسی جامعه‌شناختی «مدیر مدرسه» نوشته جلال آل‌احمد اختصاص دارد. در این رمان، آل‌احمد، هم به کاستی‌های فرهنگ ایران اشاره می‌کند و هم به مشکلات آموزش و پرورش. آل‌احمد جامعه‌ای را توصیف می‌کند که دارای ویژگی‌های زیر است: توسعه نظام سرمایه‌داری وابسته، فروریزی نظام سنتی ارباب‌ورعیتی، رشد فزاینده شهرنشینی و تخلیه روستاها، اقتصاد متکی بر پول نفت. در فصل دیگری از این بخش، نویسنده به ریخت‌شناسی قصه‌های شوخی ایرانی می‌پردازد. او در قصه‌های شوخی ایرانی، بسته به نوع داستان، شخصیت‌هایی مثل ساده‌لوح، رند، دانای ساده‌لوحان و همراه ساده‌لوح را تشخیص می‌دهد و کارکردهای این نوع داستان‌ها را نام می‌برد.

جمع‌بندی

همان‌طور که گفته شد بررسی وضعیت جامعه‌شناسی هنر در این مقاله تنها از خلال مطالعه کتاب‌های تألیفی فارسی صورت خواهد گرفت. انتخاب فقط کتاب‌ها، محدودیتی را برای این تحقیق ایجاد می‌کند، به‌طوری‌که جمع‌بندی تحقیق، نمایی کلی از وضعیت جامعه‌شناسی هنر در ایران را به دست نخواهد داد؛ اما با توجه به اهمیت کتاب‌ها در یک حوزه علمی، بررسی کتاب‌ها نکات مهمی را درباره یک حوزه علمی به ما نشان خواهد داد. بر این اساس جا دارد به سؤالات ابتدایی این تحقیق بازگردیم و پاسخ آن‌ها را بیابیم.

درباره‌ی کتاب‌ها:

ابتدا به وضعیت چاپ و انتشار کتاب‌ها می‌پردازیم. در میان کتاب‌های تألیفی، دو کتاب مربوط به دهه 50 است و پس از دو دهه سکوت در جامعه‌شناسی هنر ایران، دو کتاب در دهه 70 و شش کتاب نیز بعد از سال 1382 منتشر شده‌است. در نتیجه می‌توان نتیجه گرفت که تنها در یک دهه اخیر است که تألیف کتاب‌های فارسی جامعه‌شناسی هنر اوج گرفته‌است. از نظر تجدید چاپ، کتاب «آریانپور» به چاپ پنجم و کتاب‌های «زکریایی» و «ترابی» به چاپ سوم و کتاب‌های «راودراد» و «احمدی» به چاپ دوم رسیده‌است (ن.ک ضمیمه 1).

در مورد کتاب‌ها سؤال دیگری که می‌توان مطرح کرد این است که هر کدام از این کتاب‌ها چقدر مورد ارجاع قرار گرفته‌اند؟ به عبارت دیگر کدام یک از این کتاب‌ها به عنوان کتاب‌های مرجع و مهم در حوزه جامعه‌شناسی هنر قرار گرفته‌اند؟ پاسخ دادن به این سؤال نیازمند دستیابی به آمار ارجاعات است که در حال حاضر وجود ندارد؛ اما کتاب «آریانپور» را باید به عنوان مهم‌ترین کتاب جامعه‌شناسی هنر در ایران نام برد که در فاصله حدود چهل سال از زمان انتشار کتاب به چاپ پنجم رسیده است و این نشان می‌دهد که هنوز مورد توجه و خوانش قرار می‌گیرد. کتاب «راودراد» نیز که پس از هفت سال از چاپ اول به چاپ دوم رسیده است و اینکه یک کتاب تقریباً جامع در زمینه نظریه‌های جامعه‌شناسی هنر به شمار می‌رود را می‌توان در رتبه بعدی قرار داد. در مورد کتاب‌های «زکریایی» و «احمدی» با توجه به اینکه فاصله چاپ اول و چاپ‌های بعدی آن‌ها کوتاه بوده، شاید بتوان نتیجه‌گیری کرد که در مقطعی مورد حمایت ویژه (از لحاظ خرید کتاب) قرار گرفته‌اند. کتاب «ترابی» نیز باینکه به چاپ سوم رسیده اما از زمان آخرین تجدید چاپ آن‌ها هفت سال می‌گذرد.

دسترسی به کتاب‌ها، سؤال دیگری است که باید به آن‌ها پاسخ داد. در جدول زیر وضعیت وجود کتاب‌ها در هشت کتابخانه‌ی دانشگاهی مطرح کشور (کتابخانه دانشکده علوم اجتماعی و دانشکده ادبیات دانشگاه تهران و کتابخانه‌های مرکزی دانشگاه تهران، تربیت مدرس، دانشگاه شهید بهشتی، دانشگاه تبریز، دانشگاه الزهرا و دانشگاه فردوسی مشهد) مشاهده می‌شود. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، هیچ کتابخانه‌ای نیست که بیشتر از چهار عنوان از این کتاب‌ها را داشته باشد. بیشتر از همه کتاب «آریانپور» در این کتابخانه‌ها وجود دارد. در درجه بعد کتاب‌های «راودراد» و «ترابی» قرار دارند.

عنوان کتاب	دانشکده علوم اجتماعی تهران	مرکزی دانشگاه تهران	دانشکده ادبیات دانشگاه تهران	مرکزی دانشگاه تربیت مدرس	مرکزی دانشگاه شهید بهشتی	دانشگاه فردوسی مشهد	کتابخانه مرکزی دانشگاه الزهرا	کتابخانه مرکزی دانشگاه تبریز
1 جامعه‌شناسی هنر (آریانپور)	+	+			+	+		
2 طرحی برای مطالعه‌ی هنر (پاشا)				+		+		
3 جامعه‌شناسی هنر شریعتی (زکریایی)	+							
4 جامعه‌شناسی هنر و ادبیات (ترابی)			+		+	+		
5 جامعه‌شناسی هنر و ادبیات (راودراد)	+	+		+				
6 اراده معطوف به تحول (احمدی)		+		+				
7 کار هنر (مریدی و تقی‌زادگان)	+	+						
8 مردم‌نگاری هنر (فاضلی)				+				

در مورد کتاب‌ها باید به ناشر آن‌ها نیز توجه کرد. ناشران نقش واسطه را در یک حوزه علمی ایفا می‌کنند و وظیفه انتقال و معرفی آثار را بر عهده دارند. در مورد این هشت کتاب، دو کتاب (آریانپور و راودراد) مربوط به انتشارات دانشگاه تهران است. همه ناشران به جز دو مورد در شهر تهران قرار دارند - کتاب مریدی و تقی‌زادگان در مشهد و کتاب ترابی در تبریز منتشر شده است؛ بنابراین به جز انتشارات دانشگاه تهران که کتاب اعضای هیأت علمی خود را منتشر کرده، نمی‌توانیم از ناشری به عنوان ناشر تخصصی در این حوزه علمی نام ببریم.

درباره نویسندگان:

در میان نویسندگان این کتاب‌ها، تنها دکتر آریانپور و دکتر شریعتی فوت کرده و بقیه در قید حیات هستند. راودراد، فاضلی، تقی‌زادگان و مریدی همگی متولد سال 1340 به بعد هستند و در نتیجه هنوز می‌توان از آن‌ها انتظار تألیف کتاب‌های جدید در این حوزه را داشت. تقی‌زادگان (متولد 1359) جوان‌ترین فرد از این میان است. از لحاظ جنسیت دو نفر (راودراد و تقی‌زادگان) خانم و بقیه آقا هستند. از لحاظ تحصیلات، همه نویسندگان تحصیلات مرتبط با جامعه‌شناسی در سطح دکترا دارند. تنها زکریایی صاحب مدرک کارشناسی ارشد است؛ و باز به جز زکریایی، شغل همه این افراد، مدرسی دانشگاه بوده و است.

سؤال مهمی که در مورد نویسندگان وجود دارد، این است که آیا هنر زمینه اصلی پژوهشی این نویسندگان است و اینکه آیا می‌توان نویسنده را «جامعه‌شناس هنر» خطاب کرد؟ در میان این نویسندگان، می‌توان از آریانپور، ترابی، راودراد، فاضلی، تقی‌زادگان و مریدی به عنوان کسانی یاد کرد که هنریکی از زمینه‌های اصلی (اصلی‌ترین) زمینه پژوهشی آن‌هاست. پس این شش نفر را می‌توان «جامعه‌شناس هنر» خطاب کرد. البته باید گفت که بعضی از کسانی که در زمینه جامعه‌شناسی هنر در ایران کار می‌کنند، کتاب تألیفی ندارند و کار خود را به صورت مقاله یا سخنرانی ارائه می‌دهند. پس جمله صحیح‌تر این است که بگوییم از میان جامعه‌شناسان هنر در ایران، این شش نفر صاحب کتاب تألیفی هستند.

درباره موضوع و رویکرد نظری کتاب‌ها:

در مورد موضوع کتاب‌ها، اگر بخواهیم به یک دسته‌بندی برسیم، می‌توانیم موضوعات کلی زیر را برای کتاب‌ها در نظر بگیریم و هر کتاب را در یکی از این دسته‌بندی‌ها قرار دهیم:

§ بیان نظریه‌های جامعه‌شناسی هنر:

• راودراد

§ پیریزی یک طرح جامعه‌شناختی برای مطالعه هنرها:

• آریانپور

• پاشا

• مریدی و تقی‌زادگان

§ نگارش فلسفی و انتقادی درباره هنرها:

• زکریایی (شریعتی)

• احمدی

§ بررسی تجربی هنرهای خاص با مقدمه‌ای نظری:

• ترابی

• فاضلی

در مورد رویکرد نظری این کتاب‌ها یا نظریه‌های جامعه‌شناسی که مورد استفاده قرار گرفته‌است، باید گفت که «آریانپور» متأثر از رویکرد نظری مارکسیستی و با محوریت مفهوم طبقه به مطالعه هنر پرداخته‌است. «پاشا» متأثر از نوعی نظریه سیستمی با محوریت مفهوم کنش متقابل بود. «راودراد» جامعه‌شناسی معرفت ماکس شلر را در تحلیل هنر به کار گرفته‌است. «مریدی» و «تقی‌زادگان» از نظریه سیستم‌های پارسونز استفاده کرده‌اند. در مورد چهار کتاب دیگر، نمی‌توان رویکرد نظری مشخص جامعه‌شناختی را نام برد که کتاب بر مبنای آن نگارش شده باشد.

در مورد اشاره به «هنرهای ما»، بیشتر از همه «ترابی» به شعر فارسی پرداخته‌است. «آریانپور» فصل آخر کتابش را به شعر فارسی اختصاص داده‌است. «فاضلی» نیز بیشتر به ادبیات فارسی و کمی نیز به موسیقی ایران پرداخته‌است. «زکریایی» (و درواقع شریعتی) به هنرهای مختلفی از جمله شعر و معماری اشاره کرده‌است. «پاشا» و «احمدی» در حد مثال و مصداق به هنرهای ما و به‌خصوص ادبیات و شعر فارسی اشاره کرده‌اند. «راودراد» و «مریدی» و «تقی‌زادگان» کاملاً به‌صورت نظری کتاب‌های خود را تدوین کرده‌اند و هیچ اشاره‌ای به هنرهای ما یا هیچ هنر دیگری نکرده‌اند.

کتاب‌های موجود در زمینه^{۲۰} جامعه‌شناسی هنر بسیار کم مورد نقد و بررسی قرار گرفته‌اند. درباره این هشت کتاب به‌ندرت می‌توان مقاله یا یادداشتی در مطبوعات و وبسایت‌ها پیدا کرد و اگر هم باشد بیشتر به معرفی کتاب پرداخته‌اند تا نقد جدی آن. البته در چند سال اخیر برگزاری نشست‌های تخصصی برای نقد و بررسی کتاب‌های تازه منتشرشده رواج پیدا کرده‌است. در خود کتاب‌ها هم به‌جز یک مورد (که پاشا به نقد آریانپور پرداخته) مورد دیگری نیست که کتاب جدید، کار خودش را با نقد کتاب‌های قبلی موجود در این حوزه علمی شروع کرده باشد.

آخرین مطلبی که در مورد کتاب‌ها باید گفت تمایز بین رویکرد جامعه‌شناختی و رویکرد اجتماعی است. در سراسر این مقاله تلاشی برای تمایز میان این دو رویکرد صورت نگرفت. اگر بخواهیم جامعه‌شناختی بودن یک کتاب را با معیارهایی چون مشروعیت نویسنده در حوزه جامعه‌شناسی، استفاده از مفاهیم و نظریات جامعه‌شناسی، روشمند بودن، مشتمل بودن بر یک نظریه قابل‌توجه بسنجیم؛ آنگاه می‌توانیم کتاب‌های «آریانپور»، «پاشا»، «راودراد»، «مریدی و تقی‌زادگان» و «فاضلی» را ذیل رویکرد جامعه‌شناختی تعریف کنیم.

کتاب «ترابی» را باید ذیل رویکرد اجتماعی قراردهیم؛ چراکه نویسنده صراحتاً از نظریه‌ها و روش‌های جامعه‌شناختی بهره نبرده و صرفاً با یک نگاه اجتماعی به بررسی شاعران فارسی پرداخته‌است؛ اما کتاب‌های «زکریایی» و «احمدی» را به‌طورکلی باید خارج از این دو رویکرد دانست؛ چراکه هر دو کتاب بیشتر واجد جنبه‌های نظری هستند و جهت‌گیری تجویزی و هنجارین داشته و کمتر معطوف به زیست اجتماعی و شرایط و واقعیت‌های عینی هستند. درواقع تنها چیزی که باعث شد این دو کتاب در شمول مطالعه این مقاله قرار بگیرد، کلمه «جامعه‌شناسی» است که در عنوان هر دو کتاب به چشم می‌خورد.

قدردانی

از سرکار خانم دکتر سارا شریعتی به خاطر راهنمایی‌هایشان در نگارش این مقاله سپاسگزارم.

ضمیمه 1: فهرست کتاب‌های جامعه‌شناسی هنر

در جدول زیر کتاب‌های منتشرشده در حوزه جامعه‌شناسی هنر آورده شده‌است. تعداد این کتاب‌ها 27 جلد است که از آن میان 10 جلد تألیف (37%) و 17 جلد (63%) ترجمه است. در تهیه این فهرست کتاب‌هایی انتخاب شده‌اند که از معیارهای صوری زیر برخوردار بودند:

- در عنوان به‌صراحت خود را در حوزه جامعه‌شناسی هنر یا رویکرد اجتماعی به هنر معرفی کرده باشند (کلیدواژه‌های جستجو شامل «هنر» همراه با یکی از کلمات «جامعه‌شناسی / جامعه‌شناختی»، «اجتماعی»، «جامعه» است).
- محتوای آن‌ها اختصاص به جامعه‌شناسی هنر به‌طورکلی داشته باشد نه هنرهای خاص (مثلاً نقاشی یا موسیقی).

نویسنده	عنوان	چاپ اول	چاپ آخر	نوع
امیرحسین آریان پور	اجمالی از تحقیق ا. ح. آریان پور درباره جامعه‌شناسی هنر	1354	پنجم (1388)	تألیف
ابراهیم پاشا	طرحی برای مطالعه‌ی هنر از دیدگاه جامعه‌شناسی	1356		تألیف
محمدعلی زکریایی	درآمدی بر جامعه‌شناسی هنر از منظر دکتر علی شریعتی	1378	سوم (1378)	تألیف
علی اکبر ترابی	جامعه‌شناسی هنر و ادبیات: مثلث هنر	1379	سوم (1385)	تألیف
اعظم راودراد	نظریه‌های جامعه‌شناسی هنر و ادبیات	1382	دوم (1389)	تألیف
علیرضا نوروزی طلب	جایگاه هنر اسلامی در جامعه‌ی نوین	1384		تألیف
محمدحسن احمدی	اراده معطوف به تحول: تأملی بر جامعه‌شناسی هنر و فرهنگ	1385	دوم (1387)	تألیف
محمدرضا مریدی، معصومه تقی زادگان	کار هنر: بررسی جامعه‌شناسی عناصر ساختاری سیستم هنر	1388		تألیف
امان‌الله قزایی مقدم	هنر اجتماعی و ملی	1390	دوم (1391)	تألیف
نعمت‌الله فاضلی	مردم‌نگاری هنر: جستارهای جامعه‌شناختی و انسان‌شناختی در زمینه ادبیات و هنر	1391		تألیف
جان برگر	هنر و جامعه	1354		ترجمه
نویسندگان گردآوری: فیروز شیروانلو	گستره و محدوده‌ی جامعه‌شناسی هنر و ادبیات	1355	دوم (1386)	ترجمه
آرنولد هاورز	تاریخ اجتماعی هنر	1357	سوم (1377)	ترجمه
پلخانوف	هنر و زندگی اجتماعی	1357	دوم (1384)	ترجمه
جانث ولف	تولید اجتماعی هنر	1367		ترجمه
روژه باستید	هنر و جامعه	1374		ترجمه
ارنست فیشر	ضرورت هنر در روند تکامل اجتماعی	1349	هفتم (1379)	ترجمه
ژان دووینیو	جامعه‌شناسی هنر	1379	چهارم (1388)	ترجمه
نویسندگان گردآوری: شهریار عدل	هنر و جامعه در جهان ایرانی	1379		ترجمه
ناتالی هینیک	جامعه‌شناسی هنر	1384	دوم (1387)	ترجمه
نویسندگان گردآوری: شهریار وقفی‌پور	جامعه‌شناسی هنر: مجموعه مقالات با آثاری از آدورنو	1389		ترجمه
جنت ولف	زیبایی‌شناسی و جامعه‌شناسی هنر	1389		ترجمه
ویکتوریا دی. الکساندر	جامعه‌شناسی هنرها: شرحی بر اشکال زیبا و مردم‌پسند هنر	1390		ترجمه
ماکس رافائل	سه پژوهش در جامعه‌شناسی هنر: پرودون، مارکس، پیکاسو	1379	سوم (1391)	ترجمه
نویسندگان گردآوری: علی رامین	مبانی جامعه‌شناسی هنر	1387	چهارم (1392)	ترجمه

نویسندگان مختلف، گردآوری: علی رامین	نظریه‌های فلسفی و جامعه‌شناختی در هنر	1390	دوم (1392)	ترجمه
ان کرتیس و سنت‌جان سیمپسون	جهان هخامنشیان: تاریخ، هنر و جامعه در ایران باستان	1392		ترجمه

10 کتاب تألیفی بالا از سال‌های 1354 تا سال 1390 منتشر شده‌اند. در جدول زیر سال چاپ (اولین چاپ) این کتاب‌ها آورده شده- است.

سال چاپ	1354	1356	1378	1379	1382	1384	1385	1388	1390
تعداد	1	1	1	1	1	1	1	2	1

27 کتاب بالا (اعم از ترجمه و تألیف) از سال 1349 تا سال 1392 منتشر شده‌اند. در جدول زیر سال چاپ (اولین چاپ) این کتاب‌ها آورده شده است.

سال چاپ	1349	1354	1355	1356	1357	1367	1374	1378	1379	1382	1384	1385	1387	1388	1389	1390	1392
تعداد	1	2	1	1	2	1	1	1	4	1	2	1	1	2	2	3	1